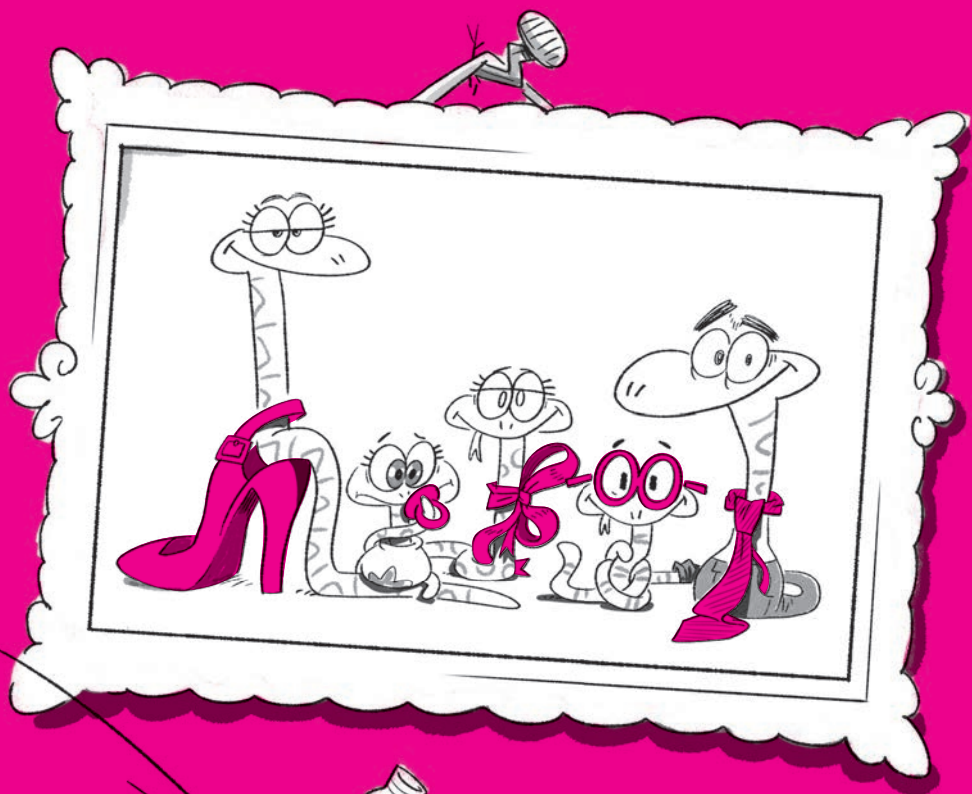


خدای خوب من سلام ...

چگونه بچه‌های بی‌تربیت‌را تربیت کنیم؟



چگونه
بچه‌های بی‌تربیت‌را
تربیت کنیم؟



تصویرنگ: محسن ایزدی

نویسنده: طاهره ابید





سرشناسه: ایبد، طاهره، ۱۳۴۲- Aibod, Tahereh
عنوان و نام پدیدآور: چگونه بچه‌های بی‌تربیت را تربیت کنیم
نویسنده: طاهره ایبد؛ تصویرگر: محسن ایزدی؛ ویراستار: پژمان واسعی
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ص؛ مصور؛ ۱۴×۱۹ سم.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۱۸-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع: Short stories, Persian - 14th century
شناسه‌ی افزوده: ایزدی محسن، ۱۳۶۲-، تصویرگر
رده‌بندی کنگره: PIR۷۹۶۲
رده‌بندی دیوینی: ۳۶۲[ج]۸
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۴۸۶۵۶
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا
۷۱۸۲۴۰۱

چگونه بچه‌های بی‌تربیت را تربیت کنیم؟

نویسنده: طاهره ایبد
تصویرگر: محسن ایزدی
دبیر تألیف: علی‌اکبر زین‌العابدین
مدیر هنری و طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه
ویراستار ادبی: پژمان واسعی
ویراستار فنی: فرناز وفاپی دیزجی
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۱۸-۸
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
لایتنوگرافی و چاپ: مجتمع چاپ پرسیکا
صحافی: مهرگان
قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

☎ ۰۲۱-۶۳۵۶۴

کلیه‌ی حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است

📞 ۳۰۰۰۶۳۵۶۴

kids@porteghaal.com

www.porteghaal.com



porteghaalpub

به دختران نازنینم
نورا و پرستو
و کودکی‌هایی که پر از
خاطره‌های جورواجور است؛
شیرین و تلخ:

ط.ا

تقدیم به
بچه‌های روزهای سخت

م.ا

فیس اول / تیخ کن! ← ۱۱

فیس دوم / به ما چه! ← ۲۳

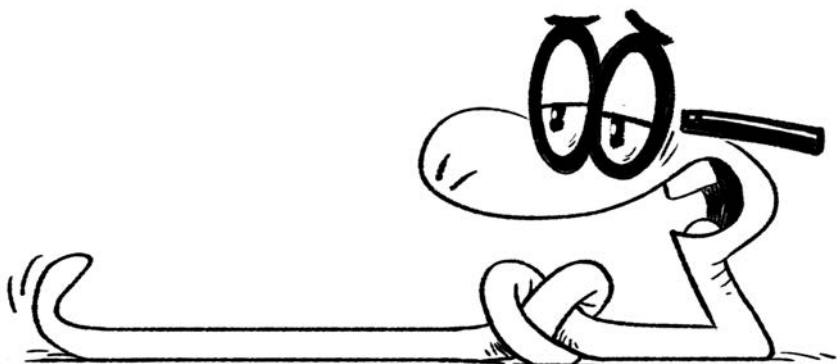
فیس سوم / زبان درازی ممنوع! ← ۳۵

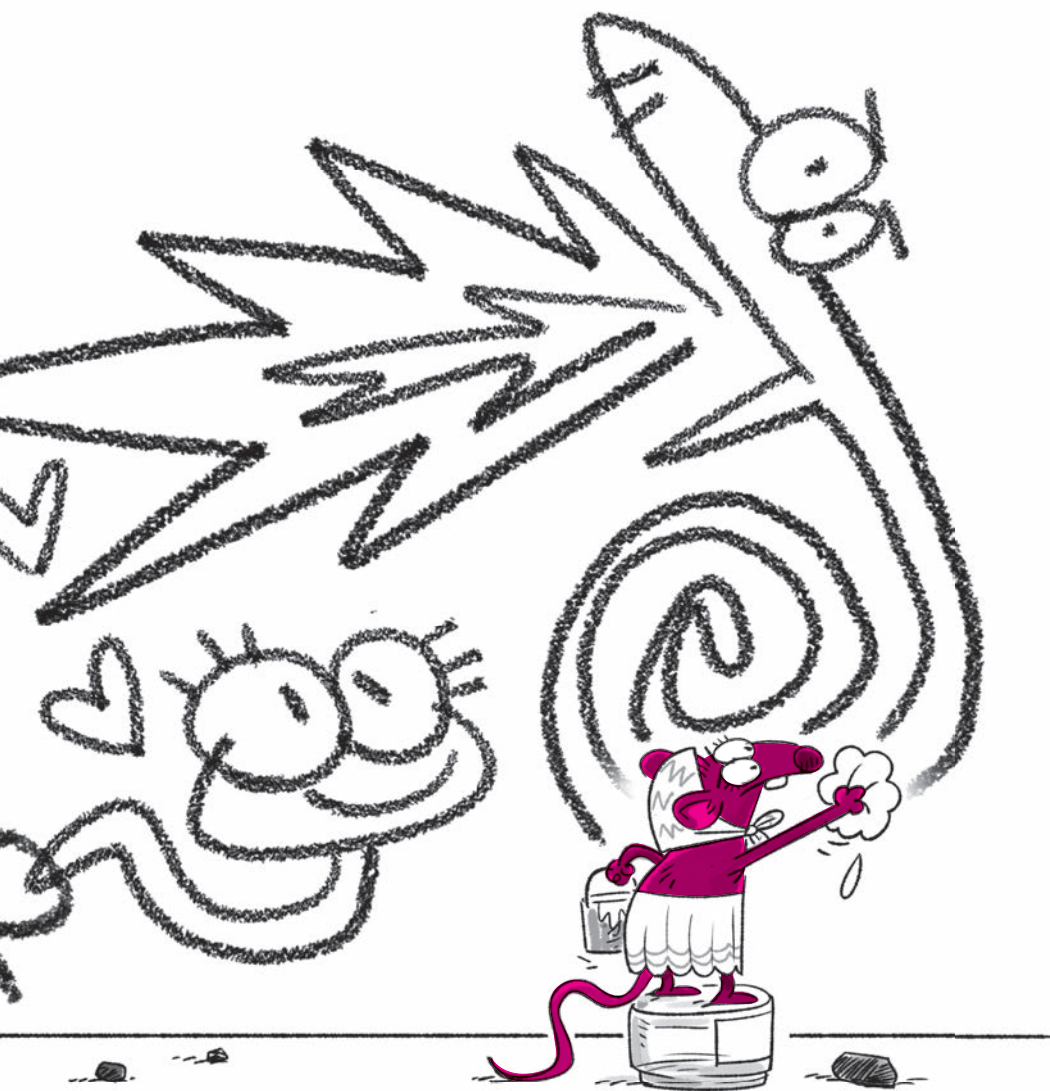
فیس چهارم / ما که بال نداریم! ← ۴۷

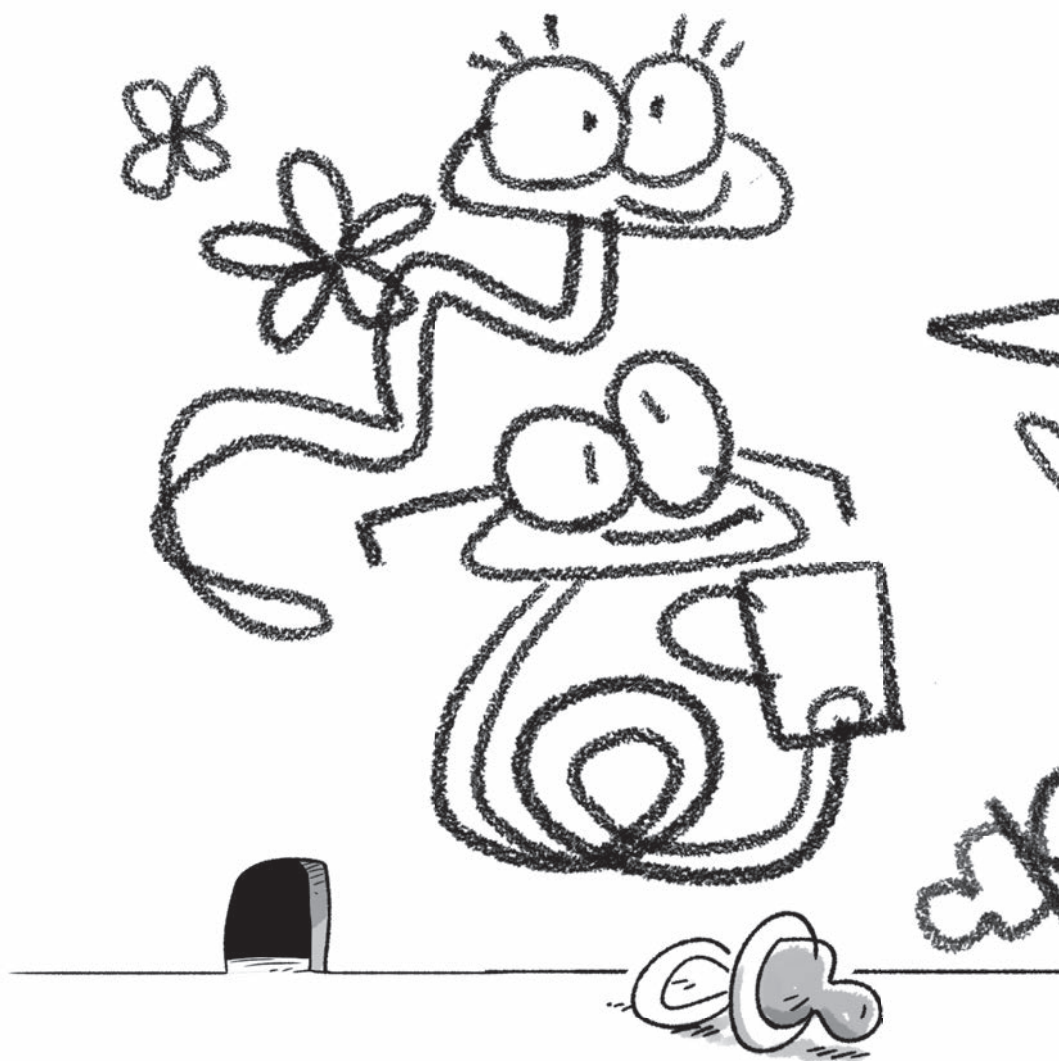
فیس پنجم / زهرمار کردنِ غذا ممنوع! ← ۶۱

فیس ششم / ململ نیش می زند! ← ۷۵

فیس هفتم / ململ دُمش لاغر است! ← ۸۹







فیس اول

تَخ کن!



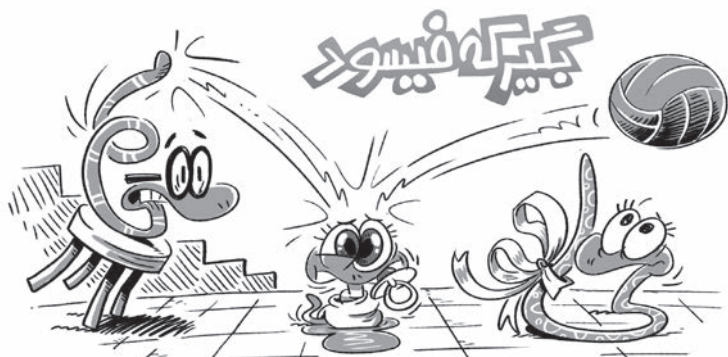
مارمار آقا و ماری خانم و سه تا توله‌شان،
در زیرزمین یک خانه زندگی می‌کردند.

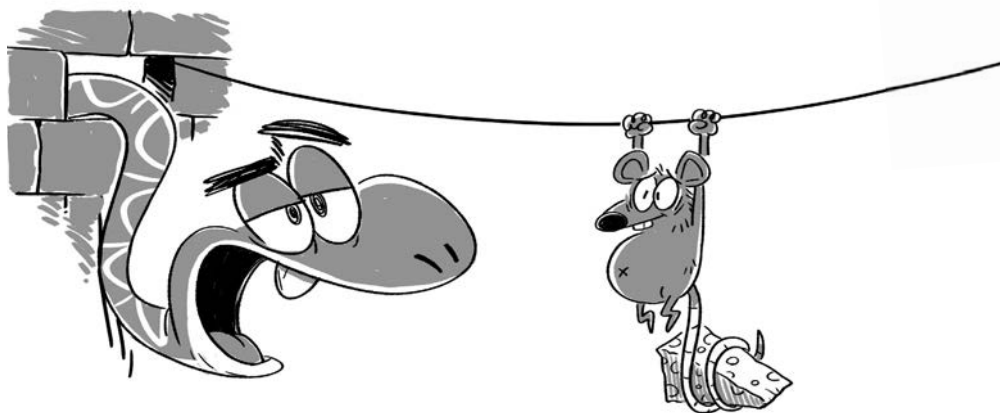


یک روز که مامان ماری رفته بود مسافرت، مارمار آقا از سوراخ زیرزمین بیرون آمد. چشمش افتاد به یک کتاب. روی کتاب نوشته بود:

چگونه بچه‌های بی‌تربیت را تربیت کنیم؟

مارمار آقا ذوق‌زده شد. با خودش فکر کرد خوب است که توله‌های خودش هم تربیت شوند؛ درست است که آن‌ها آدم نیستند، ولی بی‌تربیت که هستند!





رفت توی سوراخ و توله‌ها را صدا زد تا بیایند و تربیت شوند.

مرمر، ململ و رمرم کله‌هایشان را از لای مبلی پوسیده
بیرون آوردند. مارمار آقا گفت: «از امروز، قرار است شما
تربیت بشوید.»



ململ گفت: «ململ می خواهد مار باشد؛ ململ نمی خواهد تربیت باشد!»
مارمار آقا گفت: «وای ململ! تربیت که یک جور حیوان نیست. وقتی
می گوئیم تربیت بشوید، یعنی تو یک مار با تربیت می شوی.»
مرمر و رمرم گفتند: «اصلاً برای چی باید تربیت بشویم؟»



مارمار آقا دُمش را بالا برد و گفت: «برای اینکه بی تربیت هستید.
می خواهم به مامان ماری یاد بدهم که چه جوری باید توله را تربیت کرد.»